



رکود و بیکاری بیشتر، نتیجه سیاست خصوصی سازی



صادق کار

کارگران ایرانی است و این در حالی است که بسیاری از این کشورها فاقد نفت و منابع پردرآمد هستند. در خود ایران نیز حتی در زمانی که هنوز هیچ کدام از واحدهای تولیدی خصوصی سازی نشده بود و قوانین کار نیز حداقل در واحدهای بزرگ و متوسط عمومی و خصوصی اجرا می شد، وضع اشتغال و تولید به مراتب بهتر از حالا بود که به اصطلاح سیاست خصوصی سازی و از میان برداشتن قوانین کار باب گردیده.

طرفداران سیاست خصوصی سازی چه جوابی برای این تناقض دارند؟ اساساً مخالفت کارگران با خصوصی سازی به برتافته نشدن حقوق سندیکایی و شهروندی کارگران توسط بخش خصوصی است که چون یک بیماری مسری به بخش دولتی نیز تعمیم می نماید، و در نتیجه آن بخش بزرگی از ملت را به شهروندان درجه دو و فقیر تبدیل می کند.

آری سرمایه‌های ملی بدون اذن و رضایت اکثریت ملت، زیر عنوان خصوصی سازی به بهای نازل به اعوان و انصار حکومت سپرده می شوند، آنها نیز همه حق و حقوق قانونی صاحبان واقعی این واحدها را با استفاده از زور و سرکوب از میان برداشته‌اند، اما از رونق و اشتغال وعده داده شده هیچ اثری نیست. بر اساس آمارهای مختلف سهم دستمزد از هزینه تولید کالا در ایران بین ۶ تا ۸ درصد است. در تعداد زیادی از کشورها اما سهم دستمزد در کالای تولید شده به ۲۰ درصد هم می رسد و علاوه بر آن، کارگران از خدمات اجتماعی، بهداشتی، بیمه بیکاری و امکانات رفاهی به مراتب بهتری نسبت به کارگران ایرانی برخوردارند، که هزینه همه این‌ها نیز در واقع از سود تولید تامین می شود، اما با وجود این هزینه‌ها تولید در آنها مقرون به صرفه است و هم چرخ اقتصاد می چرخد و هم وضع کارگران از همه لحاظ بسیار بهتر از

بنا بر تازه ترین آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران، در ۲۹ اردیبهشت ۹۵، رشد بخش صنعت در سال گذشته منفی ۲/۲ درصد بوده است. این آمار آشکارا گویای آن است که سیاست خصوصی سازی همراه با از میان برداشتن قوانین کار و تامین اجتماعی که به بهانه ایجاد رونق و اشتغال در سه دهه گذشته شروع شده و در ۳ سال گذشته با شتاب بیشتری دنبال شده است، شکست خورده و بجای رونق و اشتغال به رکود و بیکاری بیشتر منجر گردیده.

بنا به گزارش‌های متعددی که در رسانه‌های مجاز منتشر شده، مالکان اکثریت واحدهای تولیدی خصوصی شده به محض تحویل گرفتن آن‌ها عده زیادی از کارگران شان را از کار اخراج و باقی کارگران را قراردادی می کنند و به این ترتیب عملاً کارگران از کلیه حق و حقوق قانونی شان محروم می شوند.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۱ خرداد ۱۳۹۵ / ۲۱ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۴



مانع فعالیت احزاب و اتحادیه های کارگری می شوند. و پیداست تا زمانی که چنین است نمی شود برای مشکلات، به مانند کشورهای که آزادی فعالیت حزبی وجود دارد، راه حل اساسی یافت. با زور و دوز و کلک و دادن وعده های بی پشتوانه هم برای همیشه نمی شود قدرت را حفظ کرد. نیجه ادامه سیاست کنونی نمی تواند به شورش و ناآرامی و انقلاب دیگری منجر نشود. ولی سرمایه داری نو کیسه حاکم بر ایران که هیچ مرزی برای زراندوزی را نمی پذیرد، داوطلبانه حاضر به باز کردن فضای سیاسی برای جستن راه حل بحران از طریق مشارکت سازمان یافته همه طبقات و قشرهای اجتماعی نیست.

طبیعتا چنان که کارشناسان غیر ذینفع هم به درستی گفته اند، سقوط سطح دستمزد ها همراه با آزاد سازی قیمت ها و خصوصی سازی بخش های درمان و بهداشت، که جزئی از سیاست خصوصی سازی است، سبب افت تقاضای نیمی از جامعه و نتیجتا رکود تولید می شود. بخصوص اثر این سیاست در کشوری مثل ایران که به دلایل مختلف و بیشتر از همه نابخردی، حکومت گران نمی تواند بسیاری از کالاهایش را صادر کند و در عین حال سالانه ده ها میلیارد کالا وارد می کند، بیشتر می شود. دولت ادعا می کند که با کاهش نرخ تورم می تواند هم سطح دستمزدها را پایین نگه دارد و هم به تقاضا دامن بزند، اما نتیجه این سیاست بنا به اذعان نهادهای رسمی که به تازگی منتشر شده اند با همه محافظه کاری هایی که در آنها بکار رفته، خلاف آن را نشان می دهند و تداوم اعتراضات کارگری نشانه دیگری از ناکام ماندن سیاست خصوصی سازی است.

یادداشت

یادآوری چند نکته در مبارزه صنفی

فرهاد فدایی

تردیدی وجود ندارد که هر فعال کارگری یا صنفی در همه حال و در همه جا با تاثیر گذاری خود بر مولفه های اجتماعی و تشکیلاتی، سهم خود را برای دست یابی به اهداف انسانی خود پی گرفته و به مبارزه خود در همه حال ادامه می دهد.

در بسیاری از نقاط ایران، حتی ابتدایی ترین شکل از تشکل های کارگری در قالب انجمن صنفی، شورا و سندیکا و ... وجود ندارد، بسیاری از فعالان با تشکیل تعاونی ها، ان جی اوها یا... در عمل نسبت به سازمان دهی بخشی از حوزه اجتماعی یا صنفی خود اقدام می کنند و در قالب تشکل های این چنینی تاثیر خود را بر روند اجتماعی ایران به جای می گذارند. یقینا تفکر چپ داشتن، مستلزم این نیست که تنها به تشکل هایی چون سندیکا بسنده کنیم، و با خود عهد ببندیم که یا سندیکا یا هیچ چیز،

همه این نتایج گویای آنند که ریشه رکود تولیدی و بیکاری، نه دستمزد و حقوق ناچیز کارگران بلکه در جاهای دیگری است. در کشورهای که دموکراسی و رقابت سیاسی وجود دارد و این رقابتها از کانال احزاب سیاسی و با ارایه برنامه پیش برده می شود، زمانی که برنامه یک حزب و دولت حزبی شکست می خورد، دولت یا برنامه اش را تغییر می دهد و یا دولت را به شکلی واگذار می کند. اما در ایران. در حالی که بقول خودشان می خواهند رقابت اقتصادی ایجاد کنند، میدان رقابت سیاسی را مرتبا تنگتر می کنند و



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۱ خرداد ۱۳۹۵ / ۲۱ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۴

سوی مطالبات واقعی اقدام کرد و در پروسه عمل، کسانی را که کارگران را صرفاً به دیده هیزم انتخابات می نگرند، افشا کرد.

تجربه جنبش سبز نشان داد، وقتی شرایط برای بیان مطالبات بوجود می آید، حتی از زمان و مکان نماز جمعه ها هم می توان استفاده کرد و از سیستم خود رژیم علیه آن بهره برد.

نکته دیگری که در گذشته به طور کامل به آن اشاره داشتیم و امروز تاکید می کنیم، تشکیل گروه های صنفی با استفاده از نرم افزار های تلفن همراه است. فضای مجازی امروز این امکان را به فعالان صنفی می دهد که بدون نیاز به مجوز دولتی نسبت به تشکیل گروه ها و تشکل ها، به کمک اینترنت اقدام کنند، این روزنه می تواند هزاران کارگر فعال را در سراسر ایران به هم مرتبط سازد و با تبادل اندیشه نسبت به سازماندهی و پیش بردن مطالبات واقعی در همه کارخانه ها در یک زمان واحد اقدام کنند، ساخت چنین گروه هایی بسیار آسان و کارآمد است و در مدت کوتاهی می تواند تاثیری شایسته ای بر جنبش کارگری ایران بر جای گذارد.

واقعیت امروز به بسیاری از فعالان، این حقیقت را هویدا کرده است که باید کار توده ای را از بستر های موجود اجتماعی فرا گرفت و پیش رفت، می توان از امکانات موجود حتی از امکانات خود رژیم یا تشکل های زرد بهره گرفت و در عین حال مطالبه واقعی کارگران را مطرح کرد و در ادامه با تکرار آن در عرصه رسانه ها یا دیگر تریبون ها هم چون گروه های تلگرامی، وایبر یا ... و ایجاد زمینه ذهنی مناسب، بخش قابل توجه ای از فعالان کارگری را به سوی مطالبه واقعی سوق داد.

در تشکل های کارگری دو ضعف عمده وجود دارد، یکی این که در عمل ۲ تا ۵ درصد بدنه هر تشکل فعال است و دیگری این که تعداد قابل توجه ای از تشکل ها از قانون، فنون مبارزه صنفی و سازماندهی بی خبر و بی بهره هستند، که جا دارد فعالان چپ با حضور بیشتر خود در

ارتباط مستقیم با این تشکل ها جدا از این که نام این تشکل ها چیست، با مشاوره و یاری رساندن به آن ها وظیفه تاریخی خود را به انجام برسانند. جمله بالا نفی جایگاه سندیکا نیست، بی تردید سندیکا بهترین شکل و جایگاه یک تشکل کارگری را دارا است، ولی تاکید بر این موضوع وجود دارد که می توان از همه روزنه ها استفاده کرد و فعالان در سمت و سو دادن مبارزه کارگران به

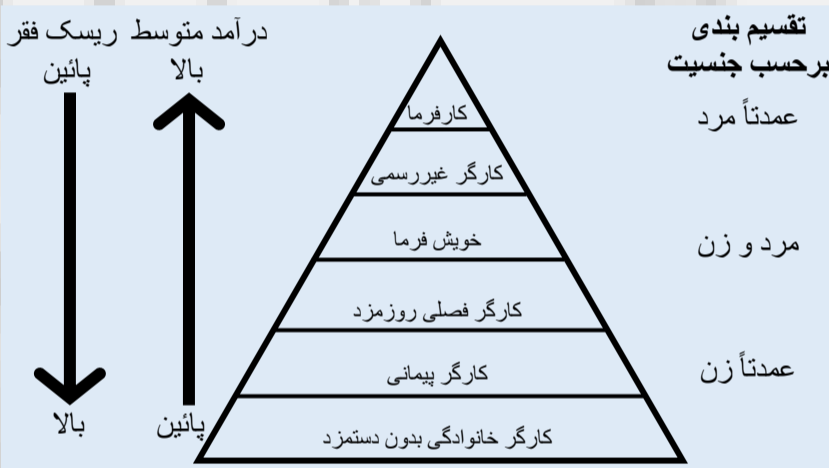
برای آزادی فعالان کارگری،
مدنی و سیاسی با تمام توان
مبارزه کنیم



اقتصاد غیررسمی؛ تعاریف، تئوری ها و سیاست ها (بخش ششم)

از انتشارات سازمان زنان در اقتصاد غیررسمی:
در راه جهانی شدن و سازمانیابی (ویگو)
نوشته: مارتا آلتز جن
ترجمه: گودرز

مدلهای مفهومی تاریخی



شکل ۱: مدل ویگو از اشتغال غیررسمی: هیرارشی درآمد و ریسک فقر برحسب موقعیتهای شغلی و جنسیت

عوامل مختلفی در تحرک بخشی به بخشهای مختلف اقتصاد غیررسمی دخالت دارند. در سالهای اخیر چندین گروه تحقیقاتی مدلهایی را برای بررسی مؤلفه های اقتصاد غیررسمی و عوامل مختلفی که

این اقتصاد را به پیش می برند، ایجاد کرده اند.

شبکه سازمان زنان در اقتصاد غیررسمی

شبکه جهانی "زنان در اقتصاد غیررسمی: در راه جهانی شدن و سازمانیابی" (ویگو)، که شبکه ای برای تحقیق، سیاستگزاری و اکسیون است، مدلی چندوجهی را برای اقتصاد غیررسمی ایجاد کرده و مورد آزمون قرار داده است که در آن مفهوم شغل بر حسب موقعیتهای مختلف شغلی موجود در اقتصاد غیررسمی تعریف شده است. در این مدل ۵ مقوله اصلی طبقه بندی بین المللی موقعیتهای شغلی - یعنی کارفرما، کارگر، خویش فرما، کارگر خانوادگی بدون دستمزد و اعضای یک تعاونی تولیدی - برحسب نوع و درجه ریسک اقتصادی که در معرض آن اند (مثلاً بیکاری یا ورشکستگی) و نیز نوع و درجه آمریت (مثلاً روی مؤسسه تولیدی و بر دیگر کارگران) تعریف شده اند. ویگو طرح

در این باره که چه عواملی اقتصاد غیررسمی را شکل می دهد و به آن وسعت می دهند، تئوریهای متعددی وجود دارند. بسیاری از اقتصاددانان جریان غالب به این نظر گرایش دارند که اقتصاد غیررسمی از شرکتهایی تشکیل می شود که داوطلبانه و خودخواسته به کار غیررسمی روی می آورند. اما همچنین هستند اقتصاددانانی که تأیید می کنند استخدام غیررسمی در شرایط بحران و رکود اقتصادی گسترش می یابد و در نتیجه این پدیده را علاوه بر روندی اختیاری، امری ناگزیر می دانند. اقتصاددانان دیگری متذکر می شوند که گسترش مناسبات غیررسمی استخدامی جنبه ای از رشد اقتصادی در جهان معاصر و اقتصاد جهانی است و نیز این که کارگران دستمزدی که در استخدام شرکتهای رسمی یا در اشتغال به کار خانگی اند، در بسیاری از کشورها رو به افزایش است. همچنین وقوف فزاینده ای در این باره حاصل شده است که



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۱ خرداد ۱۳۹۵ / ۲۱ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۴

فقر (که در سطح خانوار اندازه گیری شده بود)، صورت پذیرد. این مقایسه امکان داد درصد کارگران در موقعیتهای شغلی معین که به خانوارهای فقیر تعلق داشتند، برآورد گردد. در تمامی کشورها با تنزل موقعیت شغلی کارگران بر طبق مدل ویگو، درآمدهای متوسط نیز کاهش و ریسک تعلق به خانوار فقیر افزایش می یافت.

بانک جهانی شعبه امریکای لاتین

در سال ۲۰۰۷ بانک جهانی شعبه امریکای لاتین کتاب "اقتصاد غیررسمی: خروج و طرد" را انتشار داد. مؤلفان کتاب مدل جامعی را برای تبیین ترکیب و علل اقتصاد غیررسمی پیش نهاده بودند. آنها در رابطه با ترکیب اقتصاد غیررسمی "سه جفت" عامل اقتصادی را تشخیص داده بودند. در رابطه با علل و قوه محرکه اقتصاد غیررسمی هم اشکال مختلفی از "خروج" (روی آوردن اختیاری به فعالیت غیررسمی) و طرد (روی آوردن غیراختیاری به فعالیت غیررسمی) را تشخیص داده بودند. این مدل در جدول شماره ۱ آمده است.

"سه جفت" عامل اقتصادی

• کار

- کارگران فاقد سرمایه کافی انسانی برای اشتغال به کار رسمی،
- که برای نیل به خویش فرمائی، درآمد بیشتر، عدم پرداخت مالیات، و/یا برخورداری از انعطاف شغلی از کار رسمی روی می گردانند.

• شرکتهای خرد

- بدون تمایل یا بدون قابلیت رشد، و بنابراین بی تمایل به تعامل با دولت،
- که در برابر موانع بلند برای ورود به اقتصاد رسمی متوقف می شوند.

• شرکتهای

- برای عدم پرداخت مالیات و تن زدن از سایر مقررات
- که جزاً کارگران و فعالیتهای خود را به ثبت می رسانند.

تعلیل شماره ۱: اشکال مختلف خروج

• گریز فرصت طلبانه

- گریز از مالیات
- فعالیتهای غیرقانونی
- سرپیچی از قانون کار: استخدام نیروی کار بدون حامی قانونی، تولید پیمانی

• گریز دفاعی (در واکنش به)

- دولت پرهزینه
- دولت بی عمل
- دولت ضعیف

• گریز انفعالی و دولت بی خاصیت

- اقتصاد پیشامدرن یا اقتصاد بازاری
- مؤسسیات غیررسمی یا غیردولتی

کرده است که علاوه بر مقولات فوق الذکر، دو مقوله دیگر نیز باید به آن مجموعه استاندارد اضافه شوند: کارگران فصلی روزمزد و کارگران پیمانی. استدلال ویگو این است که اولاً کارگران فصلی روزمزد با خطرات اقتصادی بیشتری نسبت به کارگران غیررسمی روبرو اند، زیرا آنها هر روزه با خطر بیکاری و از دست دادن منبع درآمدشان مواجه اند. ثانیاً کارگران پیمانی از همان آمریتی که خویش فرمایان بر کار خویش دارند، برخوردار نیستند، زیرا آنها به پیمانکاران بالادستی و کارفرما، مشخصات محصول، مواد خام و فروش محصول وابسته اند. مدل ویگو دارای ۶ موقعیت شغلی است: کارفرمای غیررسمی، کارگر غیررسمی، خویش فرمایان، کارگران فصلی روزمزد، کارگران پیمانی، کارگران خانوادگی بدون دستمزد.

در اواخر دهه ۱۹۹۰ ویگو به دو بررسی در باره ارتباط میان اقتصاد غیررسمی، فقر و جنسیت دست زد: یک بررسی متوجه نوشته های موجود در این باره و دیگری متوجه آمارهای در دسترس بود. در هر دوی این بررسیها مدل چندوجهی واحدی برای درآمد و تقسیم بندی موقعیتهای شغلی رعایت شده بود. ارکان این مدل چندوجهی، که مورد پذیرش ویگو قرار گرفت، در شکل ۱ ترسیم شده است.

در سال ۲۰۰۴ ویگو دست به آزمون این مدل از طریق تحلیل داده های موجود در ۶ کشور در حال توسعه زد. این ۶ کشور عبارت بودند از: کوستاریکا، مصر، السالوادور، غنا، هند و افریقای جنوبی. اطلاعاتی در مورد کارگران فصلی روزمزد و کارگران پیمانی در این کشورها در دست نبود. اما به اتکای همان داده های موجود امکان مقایسه موقعیتهای شغلی (که در سطوح فردی اندازه گیری شده بودند) و



تعلیل شماره ۲: اشکال مختلف
طرد

- **تقطیع بازار کار،** که کارگران را از دسترسی به کار رسمی مانع می شود، **مقررات سنگین برای وردو [به بخش رسمی]**، که شرکتها را از رسمیت بخشیدن به فعالیتهاشان رویگردان می کند،
- **شیوه های استخدام شرکتها،** در پاسخ به مالیاتها و نظارتها سنگین.

اخبار خارجی

فرانسه اعتصاب عمومی

کانکسیون، ۱۷ می ۲۰۱۶



پاریس- اجتماع اعتراضی کارگران راه آهن فرانسه علیه لایحه جدید قانون کار.

س.ژ.ت. همچنان کارگران پالایشگاه های نفت را به بلوکه کردن پالایشگاه ها فراخوانده است، که در صورت انجام به کمبود سوخت در روزهای آتی منجر خواهد شد.

اکسیون رانندگان کامیون به صورت بستن راه ها، می تواند به سایر رانندگان نیز سرایت کند و آنان را به کشیدن دست از کار وادارد، که این نیز به نوبه خود می تواند به توقف

فیلیپ مارتینز، رئیس کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (س.ژ.ت.)، اظهار کرده است که کارگران "مشغول تدارکات سنگین برای دست زدن به نخستین اعتصاب سراسری علیه اصلاح قانون کار اند، که سه شنبه ۱۷ ماه می، آغاز خواهد شد."

بخشهای کلیدی که انتظار می رود دست از کار بکشند، عبارتند از: راه آهن فرانسه که بخشهایی از کارکنان آن شروع اعتصاب را اعلام کرده اند، کارگران بنادر، فرودگاه پاریس و رانندگان کامیون.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۱ خرداد ۱۳۹۵ / ۲۱ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۴

کشید، که پیش بینی می شود کل رفت و آمد هوایی را در سراسر کشور مختل کند.

خطوط دریائی

همچون رانندگان کامیون، که احتمالاً بنادر لوه‌اور، نانت-سن نازار را بلوکه کنند، س.ژ.ت. از کارگران بنادر نیز خواسته است که خاصه در دو روز سه شنبه و پنجشنبه، که اعتصابات بیشترین وسعت را خواهند داشت، دست به اقدام قاطع بزنند.

علاوه بر آن چه گذشت، انتظار می رود که مردم در بسیاری از شهرها دست به راهپیمائی اعتراضی بزنند. طبق آخرین نظرسنجیها ۵۴ درصد مردم از اعتصابات حمایت می کنند و ۶۸ درصد خواهان اند که دولت در طرح خود برای اصلاح قانون کار تجدید نظر کند. ۳۰ درصد خواهان تحقق رفرم مذکور اند.

در نظر است که از روز ۱۳ تا ۲۴ ژوئن مجلس سنای فرانسه در مورد لایحه مذاکره کند. تا آنجا که به دولت مربوط است لایحه باید در پایان ژوئیه از تصویب نهائی بگذرد.

۶:۰۰ صبح دو روز بعد) دست به اعتصاب زند.

لوکوموتیورانان عضو س.ژ.ت. همکاران خویش را در سراسر کشور به اعتصاب هفتگی در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه تا اطلاع بعدی فرخوانده اند. اتحادیه "راه آهن جنوب" هم از اعضای خود خواسته است که از امروز تا ۱۱ ژوئیه (قریب دوماه) هرروزه دست از کار بکشند.

شرکت راه آهن فرانسه اعلام کرده است که برنامه زمانبندی اعتصابات را منتشر خواهد کرد و از فردا در باره جزئیات حرکت قطارها در روزهای آینده اطلاعات لازم را خواهد داد.

خطوط هوائی

در قسمت هواپیمائی وقفه های چند ساعته برنامه ریزی شده اند. این اقدام می تواند از فردا موجب تأخیرهای گاه طولانی در هر دو فرودگاه اورلی و شارل دوگل شود.

اما روز ۱۹ می روز اعتصاب بزرگ در خطوط هوائی است. در این روز پروازبانان، مهندسان، تکنیسینها و کارکنان اداری دست از کار خواهند

کار و رفت و آمد در بخشهای دیگری بیانجامد.

نشریه لاپاریزین هشدار داده است که مناطق شمال فرانسه، نانت، کان، مارسسی و بوردو در اثر پیوستن رانندگان کامیون به اعتصاب با بیشترین دشواریها مواجه خواهند شد، در حالی که پاریس و ایل دو فرانس محتملاً از این بابت با مشکلی روبرو نشوند.

۷ اتحادیه کارگری مشترکاً اعضایشان را فراخوانده اند که به اعتصابات بپیوندند و در اعتراضات روزهای ۱۷ و ۱۹ می شرکت کنند. البته تعویق اعتراضات برنامه ریزی شده برای این دو روز منتفی نیست.

راه آهن

اعتراض کارگران راه آهن متوجه لایحه دولت برای رفرم در قانون کار است، اما آنها همچنین به مواضع مدیریت راه آهن در مذاکراتی که هم اکنون در این شرکت جریان دارد، معترض اند.

انتظار می رود متروی پاریس نیز به مدت ۲۲ ساعت (از ۲۲:۰۰ شب تا

چین

زندگی در اداره

رویتر، چهارشنبه ۱۸ می ۲۰۱۶

۷۲ ساعت کار در یک کارخانه ماشین سازی و بیتوته شبانه در محل کار برای یک مهندس ۴۰ ساله مقیم پکن امر غریب و نادری نیست.

دای (Dai) پس از ۱۵ سال کار در صنایع مدرن و خوابیدن در محل کار، سال گذشته موفق شد که همراه با یک شریک، شرکت خودش را که عهده دار خدمات کامپیوتری است، تأسیس کند.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۱ خرداد ۱۳۹۵ / ۲۱ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۴

تغییر کارکرد یافته است، روی یک تختخواب تاشو می خوابد. در غیر این صورت او باید بیش از یک ساعت صرف کند تا خود را به خانه اش در حومه پکن برساند.

رئیس قسمت "مشتریان بزرگ" در همین شرکت نیز در اغلب موارد به همراه یکی - دو نفر دیگر در یک اتاق دیگر شب را به روز می رساند.

لیو می گوید: "ما باید ساعت ۸:۳۰ بلند شویم، زیرا همکارانمان ساعت ۹:۳۰ سر می رسند. هر تعداد هم که باشیم باید از همان یک حمامی که این جا وجود دارد، استفاده کنیم."

اگرچه کارگران می گویند که دستمزد دریافت شان بابت اضافه کاری ارزش این همه کار را دارد، اما این وضع بدون هزینه های اجتماعی نیست. لیو، در صحبت از کودک سه ساله اش می گوید: "بچه ام دلش برایم تنگ می شود. همین که پایم به خانه می رسد، او مثل یک بچه گرگ از سروکولم بالا می رود. آدم احساس گناه می کند."

کسیانگ شیانگ، برنامه نویس ۲۸ ساله، حداقل دو روز در هفته تا ساعت ۳ و ۴ بعداز نیمه شب برای شرکت "مدیریت اعتبارات رن رن" کار می کند. این شرکت از داده های انبوه استفاده می کند تا شرکتها را در مقابله با ریسکهای مالی کمک کند. شرکت برای افرادی مثل کسیانگ امکان فراهم آورده است که شبها در اداره بخوابند.

کار در این شرکت مجال چندانی برای زندگی اجتماعی در بیرون از آن باقی نمی گذارد. کسیانگ می گوید: "من وقت و امکانی برای آن که دوست دختری پیدا کنم، ندارم. تمام زندگی ام را بر سر این شرکت گذاشته ام."

یکی از اولین دستورات او در شغل جدیدش به عنوان صاحب و مدیر شرکت، نصب ۱۲ تختخواب در گوشه دنجی در اداره بود.

دای می گوید: "کار فنی بیشتر یک کار فکری است. کارگر باید وقت داشته باشد تا الهام بگیرد. آن تختخوابها فقط برای شب نیستند. در طول روز هم می شود رفت و خوابید."

اما پدیده کارگران اداری که شب را در اداره سر می کنند، تقریباً دارد به یک پدیده مرسوم در چین تبدیل می شود؛ کشوری که با ناکارآمدی و مازاد نیروی کار ارزان و در نتیجه توقف کار در بسیاری صنایع دست به گریبان است.

البته وضع در بخش تکنولوژی مدرن چین کاملاً فرق می کند. در این بخش، کسب و کار چندان در حال گسترش و شکوفائی است که بسیاری از شرکتهای تازه کار ناتوان از پیدا کردن نیروی کار مورد نیازشان اند. از این رو با فشار به کارگران موجودشان و واداشتن آنان به اضافه کاری تا دیروقت، می کوشند به تعهدات شان عمل کنند.

کوئی منگ، مدیرکل و از مؤسسان شرکت داده پردازی گوپال می گوید: "سرعت رشد شرکتهای اینترنتی چین بسیار بالاست. من در امریکا و محیطهای مشابه بوده ام. سرعت در آنجا اصلاً به پای چین نمی رسد."

او می افزاید: "به طور ویژه ای کار برنامه نویسان این قبیل شرکتها بسیار زیاد است و آنها هر روز اضافه کاری دارند. برای حفظ آنها، به آنها اجازه داده می شود در اوقات نهار و پس از ساعت ۹ شب در اداره بخوابند، خواه در کنار میز کارشان، خواه روی مبل یا در گوشه دنجی توی رختخواب."

زندگی در اداره

زندگی برخی از کارکنان بعضی شرکتهای فنی به معنای واقعی در اداره خلاصه می شود. آنها تمام ساعات هفته کاری را در اداره زندگی می کنند.

لیو ژیانو، کارگر دفتر کاریابی و استخدام "دو می یوپین" شبهای دوشنبه تا جمعه را در اتاق کنفرانسی که دیگر



کارگران صنعت سکس به فرم در حرفه خود می پردازند

گرگور گال، پرفسور روابط صنعتی دانشگاه برادفورد

"گفتگو"، دوازده می ۲۰۱۶

این که "صنعت سکس" را چگونه می توان تعریف کرد، همچنان موضوع بحث و جدل است. بحث بیشتر بر سر آن است که دولت ها چگونه باید کسانی را که برای سکس پول می پردازند مجازات کنند. برای مثال فرانسه اخیرا به کشورهای چون سوئد، ایسلند، نروژ و ایرلند شمالی پیوست که پرداخت پول در قبال خرید سکس را غیر قانونی اعلام نموده اند.

بله این تصمیم خلاف نظر بسیار کسانی است که در این صنعت کار می کنند. اگر سخنان ایشان شنیده می شد، ای بسا تصمیمات متفاوتی در برخورد قانونی به صنعت سکس اتخاذ می شد.

در فرانسه هم مانند سایر کشورهای مشابه کارکنان صنعت سکس تلاش و تبلیغات علیه غیرقانونی ساختن آن را در پیش گرفته اند. آنها معتقدند که این قوانین در عمل باعث به خطر افتادن سلامت و امنیت کارکنان این بخش می شوند، چرا که نیاز به صنعت ادامه خواهد یافت اما به کنشی زیر زمینی تبدیل خواهد شد. شعار "بدون ما، راجع به ما، نه!"، که این گروه سر می دهد، به این معناست که هیچ سیاست و مقرراتی درباره صنعت سکس بدون حضور کارکنان این صنعت و یا نمایندگان آنان نباید وضع گردد.

تشکیل اتحادیه کارگران صنعت سکس یکی از روش هایی است که کارکنان این صنعت سعی دارند شرایط تنظیم روابط و مقررات قائم به این صنعت را تغییر دهند. جمع کثیر فعالان کارگری در صنعت سکس از رفع تبعیض نسبت به فعالان حرفه خودشان دفاع می کنند و بسیاری از آنان در پی انتخاب نمایندگانشان برای این مبارزه اند.



مثل هر شغل دیگری

تشکیل اتحادیه صنفی کارکنان برای تشکیل سایر اتحادیه ها با آن جمله است سازماندهی

صنعت سکس هم مانند تلاش چالش های سخت روبروست. از کسانی که برای خودشان کار

می کنند و مکان ثابت و زمان خاصی برای انجام حرفه شان ندارند، یا تغییر و عدم حضور افراد ثابت در حرفه، عدم وجود هیچ نوع قرارداد مشخص شامل ساعات مشخص کار، و این همه در میان تغییر دائمی بازار کار و هجوم مهاجران کثیری که به این حرفه وصل می شوند. علاوه بر این ها کارکنان صنعت سکس بر خلاف سایر کارگران با چالش های دیگری هم روبرو اند، از جمله انتساب "رسوایی اخلاقی" بخاطر کاری که می کنند، از درون و بیرون تشکل های کارگری و اتحادیه های صنفی موجود که باید از ایشان حمایت کنند. از این رو گرفتاری های بیشتری برای غلبه بر این پیشداوری ها و تشکیل سندیکای صنفی در انتظارشان است.

علیرغم این چالش ها فعالان کارگری صنایع سکس توانسته اند همکارانشان را در سی کشور از جمله بریتانیا، ایالات متحده، هندوستان و کامبوج راضی کنند که به سنت اتحادیه ای بپیوندند (خواه از طریق پیوستن به سندیکاهای موجود خواه با آغاز یک اتحادیه مستقل جدید). این همراهی ناشی از پذیرش آن است که کار در بخش سکس هم مانند هر شغل دیگری است و کارگران این صنعت نیاز به احترام به حقوق مشابه کارگری دارند. کارگران بخش سکس و خدمات جنسی مشکلات زیادی شبیه به مشاغل دیگر دارند. از جمله می توان از حق داشتن مرخصی، جریمه برای اتهام های بی پایه در جریان کار، اجبار به کار اضافه بدون حق دریافت اضافه، قلدری و فشار کارفرمایان، و اجبار به دوره طولانی کار بدون استراحت نام برد. اما آنها مشکلات دیگری هم دارند که برای سایر کارگران معمولی بیگانه است، بطور مثال لزوم پرداخت هزینه برای گرفتن مشتری و کار، و اجبار خرید ملزومات کار از کارفرمایان شان. مجموعه این شرایط به نوعی احساس مظلومیت و مفعولیت یک تجاوز دیده را به این کارگران القا می کند و آنان را در موضع شکایت و نارضایتی قرار می دهد. اضافه بر این نارضایتی ها، کارگران این بخش مایل اند یک پیام سیاسی را هم به دادخواهی اقتصادی شان بیفزایند. آنها با پیوستن به اتحادیه ها صدای اعتراضشان را علیه فقدان حقوق قانونی کارگران صنعت سکس بمراتب رساتر می کنند.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۱ خرداد ۱۳۹۵ / ۲۱ می / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۳۴

تلاشی نه چندان آسان!

اما سازماندهی برای تشکیل اتحادیه صنفی وظیفه آسانی نیست. تعداد افراد درگیر بسیار محدود است و موفقیت چندانی نیز تاکنون حاصل نشده است. البته تعدادی از تشکل های موجود نیز از جمله اتحادیه "رشته سرخ" در هلند تعطیل شده اند. موضوع شرایط کار در قراردادهای جمعی از زمره نکات قابل توجه در فعالیت این تشکل هاست: دستمزد، ساعات کار، بررسی شکایات ومقررات کاری و تنبیهی و مسئله نمایندگی قانونی و سیاسی ازجمله شرایط مورد نظر اند.

مذاکره در باره قرارداد جمعی در استرالیا، بریتانیا، آلمان و ایالات متحده ادامه یافته است. در عین حال شکایت های فردی نمایندگان کارگران صنعت سکس از طریق ضوابط درونی مؤسسات سرویس دهنده و همچنین از طریق مراجع قضایی در بسیاری کشورهای دیگر پیگیری می شوند. نمایندگی سیاسی شامل کمپین و لابی گری برای اصلاح قوانین و ضوابط مربوط به کار در بخش خدمات جنسی و سکس ادامه دارد. برخی مذاکرات غیر رسمی نیز با کمک مؤسسات حقوقی متخصص نیز انجام یافته است، بویژه درباره کسانی که در امریکا در کاباره ها و کلوب های شبانه بعنوان رقاصه های استریپ تیز کار می کنند و مایل به داشتن حمایت سندیکایی اند.

اما پس از موفقیت های اولیه انرژی برای این فعالیت ها رو به نزول نهاده است. تلاش برای سازماندهی متوقف شده و بسیاری از اتحادیه های کارگران صنعت سکس تعطیل شده اند. اختلافات فاحش و تلخی هم در این

جریان بین اعضای اتحادیه ها پیش آمده است؛ از جمله بر سر پاسخ به سؤالاتی مانند "آیا مدیران این حرفه های مخصوص هم می توانند عضو اتحادیه باشند؟"، یا "چه بخش از کارگران سکس (مردان، زنان یا ترانس) باید در اولویت این کنش ها باشند؟"

در عین حال و علیرغم این مشکلات هر وقت یکی از این تشکل ها تعطیل شده است، تشکل دیگری ظهور کرده تا جای دیگری را بگیرد و مبارزه برای نمایندگی را ادامه دهد. این حقیقت نشان دهنده ادامه چالش های موجود و علاقه کارگران این بخش به ادامه مبارزه و آمادگی فعالان تا نهایت توان برای نیل به حقوقشان است. بنابراین تشکل در اتحادیه کنشی در حال رشد و مبارزه ای است که هنوز ادامه دارد.

تحقیق من نشان می دهد که تشکیل اتحادیه های حرفه ای بهترین نوع سازمان دهی در حرکت به جلو است. این بدین معنی است که کارگران صنعت سکس و خدمات جنسی برای کسب حقوق شان - به عوض مبارزه در سازمان های خصوصی متفرق، که تلاش دشوارتری است - بهتر است بدنال کسب حقوق و تنظیم ضوابطی برای حرفه خود بطور عام در سطوح کشوری باشند، در صدد تأمین مقررات و استانداردهای کاری در حرفه شان برآیند و تعیین کنند چه کسانی حق ورود به ان را دارند. یک قدم مهم در این راه ایجاد نوعی حس هویت صنفی است، و همزمان ادامه فعالیت برای سازماندهی در اتحادیه ها. این شاید وظیفه ای دشوار باشد اما در نهایت نتیجه های محسوس تری خواهد داشت.



جان جعفر عظیم زاده در پی ۲۳ روز
اعتصاب غذا در خطر است

با همه توان با اطلاع رسانی، جمع
آوری امضا و تشکیل کمپین های
حمایتی به یاری وی بشتابیم